

به قول میرزا آقا خان کرمانی:

اگر یک جلد کتاب از ۲۴ جلد کتاب بحار الانوار علامه مجلسی را در هر کشوری انتشار بدهند ، دیگر امید نجات برای آن ملت کم است . حالا تصور کن که هرگاه ۲۴ جلد از این کتاب در میان ملتی منتشر شود !

محض ازدیاد بصیرت، یکی از حدیث های مهم این بحار الانوار را نقل می کنم که مُشت نمونه خروار باشد

علی علیه السلام در غزوه صفین ، قصد عبور از نهر فرات را داشت ولی معبرش معلوم نبود . به نصیر بن هلال فرمود برود کنار فرات ، و از طرف من ماهیی به نام کرکره را صدا کن ، و از او محل عبور را بپرس . نصیر اطاعت نمود و بر کنار فرات آمد و فریاد برآورد که یا کرکره ، بالفور هفتاد هزار ماهی سر از آب بیرون آوردند ، لبیک لبیک ، چه می گویی ؟

نصیر جواب داد ، مولایم معبر فرات را می خواهد ، هفتاد هزار ماهی آواز برآوردند که ما همه کرکره نام داریم ، بگو این شرف در حق کدامیک مرحمت شده است تا اطاعت کنیم . نصیر برگشت و ماجرا را به عرض مولایش علی رسانید .

فرمود ، برو کرکره بن صرصره را بخوان . برگشت و ندا داد . این بار شصت هزار ماهی سر برآوردند که ما کرکره بن صرصره هستیم ، این عنایت در حق کدام شده است ؟

نصیر برگشت و پرسید . فرمودند ، برو کرکره بن صرصره بن غرغره را بخوان . نصیر بازگشت و چنین کرد . این بار پنجاه هزار ماهی و ماجرای پیشین تکرار شد .

برگشت و مولا گفت : برو کرکره بن صرصره بن غرغره بن دردره را بخوان . تا اینکه در دفعه هشتم که فریاد برآورد ، ای کرکره بن صرصره بن غرغره بن دردره بن جرجره بن عرعره بن مرمرة بن فرفرة !

آن وقت ماهی بسیار بزرگی سر از آب برآورد و قاه قاه خندید که ای نصیر ، به درستی که علی ابن ابیطالب با تو مزاح فرموده است ، زیرا او خودش همه راه های دریا و معبر ها و دجله ها را از ماهیان بهتر میداند ، ولی اینک به او بگو که معبر فرات آنجا است . نصیر برگشت و صورت حال را عرض کرد .

حضرت فرمودند ، آری من به همه راه های آسمانها و زمین آگاهم . پس نصیر صیحه زده غش کرد . و چون به هوش آمد فریاد برآورد ، شهادت میدهم که تو همان خدای واحد قهاری . و آنگاه حضرت فرمود . چون نصیر کافر به خدا شده ، قتلش واجب است . آنگاه شمشیر از غلاف کشید و گردنش را بزد .

(حدیثی در بحار الانوار علامه مجلسی معتبرترین و بزرگترین منبع مذهبی شیعیان)